■ سال بیست‌وششم ■ شماره ۷۴۲۷ ■ دوشنبه ■ ۳ شهریور ۱۳۹۹

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۰۶ | اذان مغرب ۲۰/۰۰ | نیمه شب شرعی ۰۰/۲۲ | اذان صبح فردا ۵/۰۳ | طلوع آفتاب فردا ۶/۳۲

سخن روز

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: من مأمورم که صدقه (و زکات) را از ثروتمندانتان بگیرم و به فقرایتان بدهم.

مستدرک الوسائل و مستنبط المسایل ج ۷، ص ۱۰۵، ح ۷۷۶۲

جواد نوروزبیگی: شهاب حسینی با توافق انصراف داد

وقتی پیش از اتمام سال ۹۸ ماجرای کرونا پیش آمد، علی مصفا در همان مرحله مذاکرات اولیه از پروژه جدا شد. ضمن اینکه با تغییر برنامه تولید ما، برنامه‌ریزی علی مصفا هم به هم می‌ریخت. شهاب حسینی هم چندی پیش با توافق کامل از پروژه جدا شد. یعنی هر دو این عزیزان با توافق از پروژه انصراف دادند. آقای حسینی در شروع کار حضور داشت و در چند سکانس بازی هم کرد اما در ادامه از پروژه انصراف داد و آقای هادی حجازی‌فر جایگزین ایشان در پروژه شد.

تهیه‌کننده فیلم سینمایی «بدون همه چیز» درباره اخبار منتشر شده مبنی بر جدایی شهاب حسینی و علی مصفا از این پروژه توضیح داد.

باید بروم لای خیمه‌های سوخته. بدوم بالای تل. سرک بکشم پشت نخلستان. غبار جنگ که فرو نشست، سنگ‌ها را از زمین بردارم ببینم خون جاری می‌شود؟... بعد ردپای آدم‌ها و مرکب‌ها را بگیرم و خودم را برسانم عقب کاروان. همراه‌شان بروم تا کوفه. تا مجلس عبیدالله، تا شام، تا مجلس شراب و تشت زر، تا خرابه.

کآشوب
نفیسه مرشدزاده
نشر: اطراف

نـــگاره

محسن ناصری

ما راویانِ قصه‌های رفته از یادیم... «اخوان»

روایتی از نمایشنامه‌خوانی در ایران دیروز و امروز

آن روزگار درخشان گذشته است

یادداشت

چیستا یثربی
نمایشنامه‌نویس

از سال‌هایی که نمایشنامه‌خوانی در ایران رواج داشت و اتفاقاً چهره‌های بزرگ و صاحب‌نامی مثل بهرام بیضایی نمایشنامه‌های خود را به بهترین شکل ممکن برای مخاطبان به اجرا می‌گذاشتند شاید دو دهه گذشته است. امروز متأسفانه نه تنها نمایشنامه‌خوانی آن ارج و قرب قدیم را ندارد بلکه در سراشیبی نزولی قرار گرفته وکسانی مثل من که روزگاری عاشق این کار بوده‌اند امروز نمی‌خواهند به سمت‌اش بروند یا حداقل بستر مناسبی برای آن نمی‌بینند.

بی‌تعارف باید گفت آنچه من می‌بینم نمایشنامه‌خوانی‌هایی به دور از استانداردهای لازم است که برخی افراد که در حوزه‌های مختلف نمایشی سرخورده شده‌اند سعی می‌کنند با این مفر خود را احیا کنند و اتفاقاً این کار را به بدترین شکل ممکن انجام می‌دهند. این افراد فکر می‌کنند نمایشنامه‌خواندن ساده‌ترین شکل پرداخت و روایت یک متن مکتوب در حوزه نمایش است و نیاز به هیچ آموزش و استعدادی ندارد. این اجراهای ضعیف به اسم نمایشنامه‌خوانی را می‌توان از دو منظر آسیب شناسی کرد؛ یکی عدم آموزش در این زمینه و دیگری عدم آشنایی مخاطب. طبیعی است وقتی مخاطب به هر دلیلی، تماشاگر یک نمایشنامه‌خوانی ضعیف می‌شود نه تنها از نمایشنامه‌خوانی بلکه از تئاتر و هر آنچه هنرنمایشی نام دارد فراری می‌شود. در کشور ما برخی نمایشنامه‌خوانی را دون شأن می‌دانند و فکر می‌کنند چون هر چه اجرا و نمایشنامه‌خوانی این روزها وجود دارد خام و ناپخته است پس این حوزه سراسر همین گونه است و نباید نسبت به آن اقبالی نشان داد. این در حالی است که در کشوری مثل فرانسه وقتی یاسمینا رضا نمایشنامه‌های خودش را در همین قالب اجرا می‌کند کارگردان‌های بزرگ دنیا مخاطبش می‌شوند چون می‌دانند این کار، چیزی است علیحده. یا همان‌طور که در ابتدای این یادداشت آمد دهه هفتاد وقتی بهرام بیضایی و دیگرانی مثل خود من نمایشنامه‌هایشان را (به دلیل آنکه فرصت یا شرایط اجرای اثری مکتوب روی صحنه را به دست نمی‌آوردند) در همین قاب و قالب پیش روی مخاطب می‌گذاشتند بشدت از آن استقبال می‌شد. دلیل هم مشخص است. افراد نخبه و محیط به مسأله می‌دانند که نمایشنامه‌خوانی یعنی چه و بازیگرانی که برای خوانش نقش‌ها انتخاب می‌شوند نیز به اهمیت این مسأله و زیروبم‌های آن آگاه هستند و از جمله بهترین و مستعدترین بازیگران تئاتر. امروز اما واقعاً وضعیت به گونه دیگری است. نگاه کنیم به وضعیت نشر. وقتی کتاب‌ها و نمایشنامه‌های ما بی‌هیچ اجازه مادی و معنوی در فضای مجازی قابل دسترس هستند واقعاً چه امیدی می‌شود داشت که خوانش‌های درستی از آنها انجام شود. هر کسی در هر گوشه‌ای با هر ظرفیتی به خودش اجازه می‌دهد که به بهانه‌های شخصی کتابی را پیش رویش بگذارد و با چند بازیگر غیرحرفه‌ای آن را بخواند و نتیجه‌اش می‌شود ریزش همان تعداد مخاطب کمی که به هر دلیلی پای این خوانش‌ها می‌نشینند. در کشورهای دیگری که تئاتر به‌صورت درست و استانداردش با تمام ملحقات و زیرمجموعه‌هایش حیات منطقی و پویا دارد، برای چنین کاری کلاس‌های آموزشی وجود دارد که سویه‌های مختلف اجرایی و تکنیکی نمایشنامه‌خوانی تدریس می‌شود اما امروز من به‌عنوان کسی که سی‌وپنج سال از عمرم را مشغول نوشتن بوده‌ام حتی نمی‌توانم بازیگرانی را که در دهه‌های گذشته با آنها کار می‌کردم دور هم جمع کنم تا نمایشنامه‌خوانی کنیم. آنها نیز آنقدر کارهای ضعیف دیده‌اند که باور کرده‌اند نمایشنامه‌خوانی کار حرفه‌ای نیست و همه این مسائل باعث شده‌اند کسی مثل من نیز از صرافت نمایشنامه‌خوانی و حتی تئاتر بیفتم و به روزهای باشکوه گذشته فکر کنم. روزگاری که نمایشنامه‌هایی را با جمعی از بازیگران درجه یک می‌خواندیم و مردم با عشق تا پایان همراهی می‌کردند و حالا باید به صراحت بگویم آن روزگار درخشان گذشته است.

به نام تاریخ

■ **۳ شهریور**

سال ۱۳۱۶ در چنین روزی ساختمان قدیمی کتابخانه ملی در خیابان سی تیر افتتاح شد. ساختمانی که شبیه بناهای دوران سلجوقی بود و تهران را به یکی از شهرهای دارای کتابخانه ملی اضافه کرد.

■ **تولدها**

علی اشرف درویشیان: داستان نویس و پژوهشگر ایرانی سال ۱۳۲۰ در چنین روزی متولد شد. علی اشرف درویشیان پس از آشنایی با جلال آل احمد و سیمین دانشور نوشتن رمان و داستان کوتاه را آغاز کرد. در بیشتر داستان‌هایش زندگی طبقه فقیر را روایت می‌کرد که بسیاری از آنها برگرفته از خاطراتش هنگام معلمی در روستاها بود. «سال‌های ابری»، «سلول ۱۸»، «روز اول تعطیلی»، «آبشوران»، «درشتی» و «فصل نان» از آثار چاپ شده درویشیان است. غیر از اینها او برای کودکان و نوجوانان هم می‌نوشت و «روزنامه دیواری مدرسه ما»، «آتش در کتابخانه بچه ها»، «گل طلا و کلاش قرمز»، «رنگینه» و «قصه آن سال‌ها» از آثارش در این زمینه هستند. درویشیان جایزه ادبی مهرگان، جایزه جشنواره فرهنگی گلاویژ و جایزه حقوق بشر هلمن-همت را به دست آورد و یکی از اعضای فعال کانون نویسندگان ایران بود. او سال ۱۳۹۶ درگذشت.

هارون یشایایی: تهیه کننده صاحب نام سینمای ایران سال ۱۳۱۴ به دنیا آمد. هارون یشایایی از ۱۹ سالگی ساخت فیلم‌های تبلیغاتی را آغاز کرد. در رشته فلسفه و علوم اجتماعی در دانشگاه تهران تحصیل کرد و همزمان سینما را هم ادامه داد. سال ۱۳۵۸ نخستین فیلمش را به‌نام «جایزه» تهیه کرد و پس از آن تهیه کننده بسیاری از فیلم‌های شناخته شده سینمای ایران شد. فیلم‌هایی مانند «ناخدا خورشید»، «اجاره نشین ها»، «هامون»، «ای ایران»، «کیمیا» و «دیوار». او سال ۱۳۸۷ و در بیست و هشتمین جشنواره فیلم فجر جایزه بهترین تهیه کننده پس از پیروزی انقلاب اسلامی را دریافت کرد.

فریبرز لاچینی: آهنگساز برجسته ایرانی امروز ۷۱ ساله می‌شود. او از ۱۰ سالگی تحصیل در هنرستان عالی موسیقی را آغاز و از ۱۸ سالگی با ساخت تصنیف‌های «فصل‌ها و رنگ ها» و «آوازهای دیگر» با کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان همکاری کرد. لاچینی برای بسیاری از خوانندگان پاپ ایران مانند محمد نوری، حمید غلامعلی و سیمین قدیری موسیقی ساخته و آهنگسازی است که برای نخستین بار از کامپیوتر در آهنگسازی در ایران استفاده کرد. لاچینی علاوه‌بر انتشار آلبوم‌های معروفی چون «پاییز طلایی» و «سه گانه مرثیه» برای فیلم‌ها و سریال‌های بسیاری مانند «دندان مار»، «نارونی»، «آرایشگاه زیبا»، «آواز تهران» و «گربه آوازه خوان» موسیقی ساخته است.

خورخه لوئیس بورخس: نویسنده مشهور آرژانتینی در سال ۱۸۹۹ متولد شد. او که بیشتر به‌دلیل داستان‌های کوتاهش شهرت دارد نخستین دفتر شعرش را در ۲۴ سالگی منتشر کرد و از سال‌های ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۹ داستان‌های کوتاهش را نوشت. او هیچ وقت رمان ننوشت اما داستان‌های کوتاهش تحول بزرگ در داستان کوتاه کلاسیک ایجاد کرد و به همین دلیل چند بار نامزد دریافت جایزه نوبل ادبیات شد. از بورخس آثاری چون «الف»، «کتابخانه بابل»، «اطلس»، «حافظه شکسپیر»، «معمای شکسپیر»، «دشنه» و «جاودانه ها» منتشر شده است. او در آرژانتین جایزه ملی ادبیات را به دست آورد و مدت‌ها رئیس کتابخانه ملی این کشور بود. بورخس در سال ۱۹۸۶ درگذشت.

● سالروز تولد **ژان میشل ژار** آهنگساز فرانسوی، **مهران غفوریان** بازیگر، **گئورگ ویلهلم پابست** فیلمساز اتریشی، **پائولو کوئیلو** نویسنده برزیلی، **علی فرحناک** کارگردان، **امین انصاری** داستان نویس، **نسرین بهجتی** شاعر، **غلامحسین چهکندی‌نژاد** شاعر، **فرهنگ شهبازی** داستان نویس و **ژان اگوست دومینیک انگر** نقاش فرانسوی هم امروز است.

■ **درگذشت‌ها**

داریوش اسدزاده: بازیگر قدیمی سینما و تلویزیون سال گذشته در چنین روزی درگذشت. داریوش اسدزاده متولد سال ۱۳۰۲ بود در جوانی ویولن می‌نواخت اما به‌دلیل مخالفت پدرش مجبور شد این ساز را کنار بگذارد. پس از پایان دبیرستان وارد نخستین دوره هنرستان هنرپیشگی شد و مدتی بعد بازی در نمایشنامه‌های رادیویی را در رادیو ایران آغاز کرد و سال ۱۳۲۱ برای نخستین بار در تئاتر تهران، نصر و دهقان لاله زار روی صحنه رفت. سال ۱۳۲۸ با فیلم «همسر مزاحم» وارد سینما شد و پس از آن در فیلم‌هایی چون «مرد بی‌ستاره»، «سوغات فرنگ»، «ارثیه»، «دو نیمه سیب»، «همسر»، «بلوف»، «روز شیطان»، «آبادان»، «جعبه موسیقی»، «۵۰ کیلو آلبالو» و «نیوکاسل» بازی کرد. در تلویزیون او را بیشتر با سریال «خانه سبز» می‌شناسید اما «فروشگاه»، «همه فرزندان من»، «آژانس دوستی»، «رستوران خانوادگی» و «رانت خوار کوچک» از سریال‌هایی بود که با بازی اسدزاده دیدیم. داریوش اسدزاده سال ۱۳۹۱ نشان درجه یک فرهنگ و هنر را دریافت کرد.

● **ساتوشی کن** کارگردان ژاپنی انیمیشن هم در چنین روزی درگذشت.

افسانه‌ها نقبی به خودآگاهی

سنگ کاغذ قیچی

نلی محجوب
فعال حوزه ادبیات کودک و نوجوان

بی شک ادبیات عامیانه، افسانه‌ها و اسطوره‌ها بخشی از زندگی ما را تحت تأثیر قرار داده‌اند. داستان‌های کهن و افسانه‌ها قطعاً به‌عنوان بخشی از ادبیات کودک شناخته می شوند که به مخاطبش در شناخت مفاهیم و معنای بهتر کمک می‌کنند. دنیای امروز سرعت بسیار زیادی پیدا کرده است و یکی از حلقه‌های ارتباط با گذشته و مفاهیم کهن قطعاً ادبیات است. بخشی که متأسفانه آن‌طور که باید به آن پرداخته نشده، آنچه در بسیاری از کشورهای پیشرفته می‌بینیم استفاده از این شخصیت‌ها در انیمیشن‌ها، بازی‌ها و لوازم کاربردی و روزانه کودکان و نوجوانان است که علاوه بر ایجاد انگیزه شناخت، چشم و ذهنشان با این شخصیت‌ها آشنا می‌شود. افسانه‌ها و داستان‌های کهن می‌توانند حس کنجکاوی مخاطب را برانگیزانند و به‌دلیل ساده بودن، کودکان براحتی می‌توانند تقابل‌ها و تضادها را درک کنند. اسطوره‌ها، فرصت خیال‌پردازی به کودک می‌دهند و گاه او را به جهانی فانتزی می‌برند. جهانی زاییده ذهن کودک. خیال قدرت خلاقیت را در کودک افزایش می‌دهد، ابزاری که در زندگی می‌تواند از آن بهره ببرد. خیال‌پردازی قدرت شناخت پیرامون را برای مخاطب فراهم می‌کند، قدرت تفکر و تعقل بیشتر به کودک می‌دهد و فرصت پرسیدن چرایی و چیستی را فراهم می‌کند و کودک را به‌دنبال یافتن پرسش‌ها سوق می‌دهد.

در کنار این تأثیرات می‌توان به آموزش هم اشاره کرد. آموزشی بر پایه تفکر و خلاقیت، تحریک کنجکاوی کودک به وسیله داستان و شخصیت‌ها، در صورت مداومت مطالعه و خواندن قطعاً از او انسانی پرسشگر می‌سازد. انسانی که عادت به تفکر دارد و می‌تواند با مشکلاتش به شکلی واقعی مواجه بشود و راهکار پیدا کند. معمولاً کودکان قصه‌ها و افسانه‌ها را می‌پذیرند، آنها را با تجربیاتشان می‌سنجند و گاه به دنبال راه قهرمان می‌روند و این سبب می‌شود تا کودکان از انفعال خارج شوند و تأثیری که بر ذهن آنها در درازمدت خواهد گذاشت انکارپذیر نیست. برنو بتلهایم (روانشناس اتریشی) در مورد تأثیر افسانه‌ها بر کودکان معتقد است: «با نفوذ به ذهن ناخودآگاه کودک بسیاری از ترس‌ها و دلنگرانی‌های او را کاهش داده و برای ورود به مرحله جدید زندگی آماده می‌کند.» بازنویسی افسانه‌ها و اسطوره‌ها به شکل صحیح و آگاهانه همراه با تصاویر مناسب می‌تواند به کودکان و خردسالان فرصت برقراری ارتباط بهتر و پرورش تخیل را بدهد. واژگانی که نویسنده با توجه به گروه سنی انتخاب می‌کند درک مخاطب را از مفاهیم راحت‌تر می‌کند. از طرفی در بازآفرینی، نویسنده با بهره‌گیری از خلاقیت خود، عناصری را به داستان اضافه و آن را به روز می‌کند و ارتباط مخاطب را فراهم‌تر می‌سازد. اپوش، دیو خشکسالی، این بار سر از کتاب کودکان درآورده است. «اپوش»، نوشته محمد طلوعی با تصویرگری سحر حق گو توسط نشر چشمه منتشر شده است. مخاطب در کتاب با اپوش همراه می‌شود. دیو خشکسالی به خیال خود زیباترین دیو جهان است. چون هیچ کجا تصویرش را در برکه ندیده است. او هر جا قدم می‌گذارد به خارزار و کویر تبدیل می‌شود. اپوش اما سفری دارد برای خودشناسی. اپوش جایی خودش را در آیینه دیده و به نظرش زشت‌ترین دیو جهان است و به‌دنبال چرایی می‌رود. مخاطب همراه اپوش از مسیرهای مختلف می‌گذرد و با او تجربه می‌کند. در نهایت اپوش به خودباوری می‌رسد و خودش را همان‌طور که هست می‌پذیرد.

حالا گاهی زیر لب می‌گوید زیباترین دیو جهان است.

نویسنده با بهره‌گیری مناسب از شخصیت افسانه‌ای سعی دارد موقعیت تازه‌ای خلق کند و مخاطب را با خودش همراه کند.

اخوان ثالث در شماره هشتم «وزن دنیا»

چی بخوانیم

مجله «وزن دنیا» با انتشار هشتمین شماره‌اش نشان داد که از آن دست نشریاتی نیست که عموماً نام دولت مستعجل روی آنها می‌گذاریم.

هشتمین شماره‌ای که با تیتر بزرگ «زمستان است» روی جلد با تصویری از اخوان ثالث منتشر شده امیدواری را بیشتر می‌کند که بالاخره بعد از سال‌های سال، امروز هم مثل دهه هفتاد، باز هم مجله‌ای پیش رو داریم که به‌صورت تخصصی به شعر می‌پردازد و می‌خواهد از شعر دیروز و امروز ایران سخن بگوید.

در این شماره دو پرونده تهیه شده که موضوع یکی از آنها جمع‌خوانی تحلیلی آثار مهدی اخوان‌ثالث و دیگری پرونده‌ای است در مورد شعر و زندگی قاسم آهنین جان شاعر معاصر و زنده. البته در این شماره «وزن دنیا» طبق سنت حسنه‌ای که از ابتدا این مجله در پیش گرفت می‌توانیم از شاعران استان‌های تهران، آذربایجان شرقی، بوشهر، خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان و فارس هم شعر بخوانیم علاوه بر شعر این استان‌ها، دو بخش «هم‌زبانان» و «کارگاه وزن دنیا» بازتاب‌دهنده شعر شاعران کشورهای فارسی‌زبانی همچون افغانستان و تاجیکستان و بخش دیگری نیز در این مجله پروپیمان وجود دارد که دربردارنده شعرهای ارسالی خوانندگان مجله است.

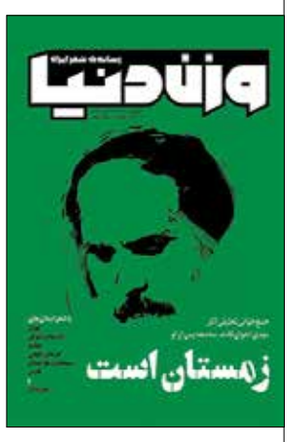

بخش «هوای تازه» بخش دیگری از این شماره است که با ساز و کار جدیدش در معرفی شاعر برگزیده هر شماره، نقد و بررسی کوتاهی بر اشعار فهیمه جهان‌آبادی، شاعر اهل سیستان و بلوچستان داشته است. در بخش «تعریف و تبصره» این شماره وزن دنیا، پرونده‌ای می‌خوانیم درباره مهدی اخوان‌ثالث و کارنامه شعری‌اش، سه دهه پس از مرگ شاعر که در واقع بیست شاعر و منتقد، هر کدام ده شعر از دیوان اخوان را انتخاب کرده‌اند و از این میان، ده نفر، تک‌نگاری‌هایی درباره یک شعر مهم اخوان نگاشته‌اند.

شماره هشتم «وزن دنیا»، در ۱۸۸صفحه و به قیمت ۵۰ هزار تومان در کتابفروشی‌ها و کیوسک‌های مطبوعاتی معتبر در دسترس مخاطبان شعر است و علاقه‌مندان می‌توانند برای آگاهی از مراکز خرید مجله به آدرس اینستاگرام و تلگرام مجله با عنوان @vaznedonya مراجعه یا از سایت مجله www.vaznedonya.ir کسب آگاهی کنند.

مدیرمسئول و صاحب‌امتیاز «وزن دنیا» پوریا سوری و سردبیر آن علی مسعودی‌نیا است که هر دو شاعر و روزنامه‌نگار هم هستند.

#بورس

هشتگ

افت شاخص بورس باعث شد دیروز هم هشتگ بورس در شبکه‌های اجتماعی ترند شود. نگرانی را در بسیاری از نوشته‌های فعالان این بازار می‌دیدیم و خیلی‌ها هم تلاش می‌کردند شرایط را تحلیل و پیش‌بینی کنند: «این بازار منفی به بعضیا فهموند شغلای دیگه هم جامعه لازم داره. این طوری نمیشه که همه تحلیلگر ارشد بازار سرمایه باشن»، «من گرگ وال استریت نیستم. پیر بورس هم نیستم ولی کتاب تا دلتون بخواد خوندم. خرید و فروش هم بلدم. این چیزی که به شما الان نشان میدن چیزی جز چنگ و دندان نیست. جای ژاوی تو بورس حس می‌شه. بهش می‌گن market maker. ترس آفت زندگی و برادر مرگه. به خودتون مسلط باشین همه مثل همیم»، «حالا صبر کنید ببینید فروشنده‌های این روزهای بورس پول‌هاشونو کجا سرمایه‌گذاری خواهند کرد.»، «مدیران بورس اگر مدیریت بلد بودن دامنه نوسان را روی ۱ یا ۲ میذاشتن تا از رفتار هیجانی مردم کاسته بشه حالا کو گوش شنوا. کجاست مدیر شرایط بحران؟»، «پس کی این بورس اصلاح خواهد شد؟»، «یه جوری شاخص ریخت که گرگای وال استریت درخواست ویدئو چک کردن»، «امروز هم بورس منفی بود، این منفی بودن بازار و تکرار آن در طولانی مدت سبب کاهش اعتماد مردم به بورس خواهد شد در شرایط فعلی بسیاری از سرمایه‌گذاران در بورس که با چشم باز و انتخاب درست، نسبت به سرمایه‌گذاری اقدام کرده بودند هم، از محل سودهای خود دچار زیان گردیده‌اند به صورتی که با ادامه روند نزولی در روزهای آتی امکان اینکه سودهای حاصل شده در سال جاری به سمت صفر شدن میل کند وجود خواهد داشت. بسیاری از سرمایه‌گذاران خرد و بی تجربه که فعلاً در ضررهای سنگین می‌باشند هم باید در نظر بگیریم»، «امروز در بورس چه گذشت: حقوقی‌ها به خیال خودشان خواستند ساعات آخر، صفوف فروش را جمع کنند تا بازار برای فردا مهیا شود اما دیگر کار از کار گذشت؛ هرچه خریدند، حقیقی‌ها بازهم عرضه کردند. به نظر می‌رسد اعتماد مردم به بورس کاملاً از دست رفته و به این راحتی دیگر اعتماد حاصل نمی‌شود»، «یه موضوع ساده و کلی توی بورس هست که میگه شما تا سهمتو نفروختی در واقع نه سود کردی نه ضرر... پس اگه هنوز نفروختی نگو ضرر کردم»، «دیگه کم کم به کارگزاری‌ها بدهکار می‌شیم. یعنی چی این وضع»، «شاخص بورس افت شدیدی را دارد تجربه می‌کند همان طور که رشد شدیدی داشت. اما ادبیات مسئولان در برابر این دو رخداد پارادوکس آشکار بود. وقتی شاخص بالا می‌رفت از آن به عنوان دستاورد یاد می‌شد، اما الان که افت کرده، از آن به عنوان ذات و طبیعت بازار یاد می‌کنند.»، «بورس انقدر منفی شده و افت کرده که من کم کم دارم به بورس بدهکار می‌شم»، «تا الان بیش از ۲۵۰۰ میلیارد تومن پول از بورس خارج شده که یه رکورد در تاریخ بورس هست»، «اینجوری که داره پیش میره بعضی سهم‌ها تا آخر هفته مجانی می‌شن.»، «امروز بیشتر از ۵۲۰ نماد بورس صف فروش بود و تنها ۳۶ نماد صف خرید. به شخصه با سرمایه خیلی کمی که در بورس گذاشته بودم نزدیک به ۴۰ درصد ضرر کردم. آیا باید سهم‌ها رو نگه داشت یا با این مقدار ضرر فروخت؟ امیدی به مثبت شدن بازار هست؟»

شهروند مجازی
یگانه خدامی

تجمع در بلاروس

ماجرا

دیروز و در ادامه اعتراض‌ها به نتایج انتخابات در بلاروس تجمع گسترده‌ای در میدان استقلال پایتخت این کشور یعنی مینسک شکل گرفت که بازتاب گسترده‌ای داشت. کاربران ایرانی و خارجی عکس‌ها و فیلم‌هایی از این تجمع را بازنشر می‌کردند و تعداد جمعیت را تخمین می‌زدند. خیلی‌ها هم پیش‌بینی می‌کردند که رئیس جمهوری بلاروس چه موضعگیری‌هایی در برابر این اعتراض‌ها خواهد داشت: «بیش از ۲۵۰ هزار نفر در میدان استقلال شهر مینسک در پایتخت بلاروس در تظاهرات سراسری امروز شرکت کردند و حدود نیم میلیون در کل کشور (جمعیت کل: ۵/۹ میلیون).»، «حالا بلاروس چرا داره کن فیکون میشه؟»، «با ایجاد شرایطی مشابه اوکراین در بلاروس قطعاً مجموعه بده بستان‌هایی بین روسیه و غرب آغاز خواهد شد! از اصلی‌ترین حوزه‌های تأثیرپذیر می‌توان سوریه را مدنظر قرار داد. از طرفی انشقاق اخیر بین اروپا و امریکا و بریتانیا نیز بی تأثیر نیست اما وجود ناتو در شرق اروپا مهم است»، «میدان استقلال مینسک بلاروس دیگر ظرفیتی برای جمعیت معترضان در حال افزایش ندارد.»، «با وجود تهدید تند دولت لوکاشنکو و پیاده کردن ارتش و ارتباط دادن معترضان به نازی‌ها و ناتو و دشمن خارجی، مردم بلاروس در حال تشکیل میدان میلیونی در پایتخت هستند.»، «روز از نو روزی از نو، در اعتراضات بلاروس»، «اعتراضات گسترده در پایتخت بلاروس، مینسک، ادامه دارد. معترضین خواستار مردمسالاری و انتخابات ریاست جمهوری جدید هستند. اما، رئیس جمهوری لوکاشنکو خواسته‌ها را رد کرده است»، «شعار میلیونی مردم بلاروس با شعار اوخَدی اوخَدی در مینسک علیه لوکاشنکو رئیس جمهوری. برو بیرون برو بیرون.»

عکس نوشت

جدیدترین فیلم کریستوفر نولان به‌نام «Tenet» (انگارِه) که تازه اکران شده با واکنش‌های کاملاً متفاوت از سوی منتقدان سینمایی رو به رو شده است. نولان یکی از پرطرفدارترین فیلمسازان دنیاست اما برخی فیلم جدیدش را بی‌ارزش و یکنواخت توصیف کرده‌اند. البته در مقابل منتقدانی آن را اثری شیفته کننده و فوق العاده سرگرم کننده می‌دانند. «کاترین شورد» منتقد نشریه گاردین معتقد است این فیلم به‌هیچ عنوان ارزش رفتن پراسترس به سالن سینما را در دوران شیوع کرونا ندارد اما «گای لاج» از نشریه ورایتی از آن تمجید کرده است. جان دیوید واشنگتن، مایکل کین، کنت برانا، رابرت پتینسون و الیزابت دبیکی بازیگران Tenet هستند که در ساخت آن از دوربین‌ها و لنزهای IMAX استفاده شده است.